

عبدالعلی همایون و بیات تهران



پرویز خطیبی در کتاب خاطراتی از هنرمندان می نویسد: "در یکی از جلسات هفتگی رونامه توفیق با جوانی آشنا شدم که می گفتند کارمند شعبه پست و تلگراف در مجلس شورای ملی است و برادرش از کسانی است که برای خوانندگان قدیمی از جمله تاج اصفهانی تصنیف های زیادی ساخته است. همایون آواز خوش و خطی زیبا داشت، صمیمی و رفیق باز بود و گاه و بیگاه اشعاری هم می سرود. در توفیق آن زمان اشعارش با نام مستعار ع. ه. کوکو و پیکان چاپ می شد. تنهافکری که از خاطرش نمی گذشت همان هنرپیشگی بود زیرا ظاهرا خانواده اش موافق نبودند." (خطیبی، ص ۱۴۹)

عبدالعلی همایون از جمله هنرمندانی است که اساسا متعلق به عرصه بازیگری، از موسسین تماشاخانه هنر و از چهره های هنر پیش پرده خوانی در دهه ۱۳۲۰ شمسی می باشد که شاید نقش **سرکار استوار** در سریالی به همین نام در اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی، ماندنی ترین خاطره از وی در اذهان

باشد. اگر چه وی در گوشه هایی از این سریال نغمه هایی را زمزمه می کرد اما کمتر کسی در آن روز می دانست که آثاری از این هنرمند به صورت صفحه ضبط و منتشر شده است.

صفحه مورد توجه دارای لیبل اولیه و قهوه ای رنگ کمپانی موزیکال رکورد متعلق به نصرالله عشقی و دارای شماره صفحه 195 می باشد که روی اول آن **نفرین نامه** و روی دوم، **دعای عاشق** می باشد و **قره نی ریاحی** در هر دو روی صفحه، صدای **عبدالعلی همایون** را همراهی کرده است. این صفحه بایستی در حدود سال ۱۳۳۰ در تهران ضبط و با شماره

قالب 0 3147 توسط کمپانی اورپول در انگلستان تکثیر شده باشد.



درباره نوع موسیقی این صفحه، سید جواد بدیع زاده در خاطرات خود (گلبانگ محراب تا بانگ مضراب، ص ۲۲۷-۲۲۴) ضمن نقل خاطره ای از دعوت بزرگانی چون فروغی و بهار، پیش از اولین سفر خود برای ضبط صفحه در شام و اجرای قطعه ای با غزلی از سعدی به همراهی ساز صبا، حسین یاحقی و حبیب سمعی می نویسد:

"غزل فوق را همان طور که گفتم و نوشتم، در آواز کوچه باغی به طرزی که خواننده های آخر شب توی کوچه و برزن ها می خوانند و می روند، قسمتی را با آواز و قسمتی را ضربی با ساز هر سه نفر آقایان صبا، حسین یاحقی و حبیب سمعی خواندم و پس از خواندن گفتم در این سفر می خواهم یک صفحه هم آواز باباشملی، به همین نحو که خواندم، بخوانم. بزرگوار محترم جناب فروغی با آن اخلاق حمیده و صفات آقایی که مخصوص او بود، پس از تعریف و تمجید گفت: «این هم طرز مطلوبی است از خواندن. این قسم خواندن، مخصوص وارستگان و از خود بی خود شدگانی است که به عنوان تفریحات آخرشب، به این طرز خواندن روی می آورند. ولی نکته ای است باید تذکر بدهم و آن این است که اولاً این رقم آواز را با شعر سعدی و حافظ و این قبیل گویندگان نباید خواند. این آوازی است از دل های خسته و جسم و جانی که از صبح تا پاسی از شب گرفتار اشتغالات روزانه هستند و آخر شب وقتی به خانه های خود می روند، خسته و کوفته، با چنین آوازهایی به خانه روانه می شوند. نباید گفت آواز باباشمل ها، بلکه جایز است بگوییم آواز خسته دلان. به علاوه با اشعاری که حالت درونی آن ها را نشان می دهد باید خواند، مثل مخمسات و مسمطات وحشی یا بهتر بگوییم شاهد کفاش خراسانی که شاعری است سوخته دل. اشعاری به نام دعای عاشق و نفرین عاشق دارد. اگر بتوانید در کتابفروشی های جنوب شهر ویا آنها که کنار خیابان ها مقداری کتاب جمع می کنند و می فروشند پیدا کنید. آنها برای این ثبیل آوازاها بسیار مناسب است و ثانیاً باید بگوییم این رقم آواز یکی از آوازهای سنتی قدیم است و نباید گفت آواز باباشمل بلکه این آواز هم (از) همان آوازهای قدیم که به نام بیات معروف است مثل بیات اصفهان، بیات ترک، بیات کرد ویا بیات راجع و بیات های دیگر (می باشد). باید بگویید بیات ری که در واقع می رساند که اهل ری در قدیم، در کوچه و بازار، این رقم آواز می خواندند و یا لاقل بگویید بیات تهران.»"

صفحه مورد بحث ما در حقیقت اجرای دیگری از صفحه بدیع زاده است که در سال ۱۳۱۴ با لیبل سودوا منتشر شده و پس از اجرای عبدالعلی همایون، در اواسط دهه ۳۰ نیز با صدای دلکش بر روی صفحه های کمپانی موزیکال به بازار آمده و توفیق زیادی به دست می آورد تا آنجا که گوگوش در خردسالی (سال ۱۳۳۹)، اجرای دلکش را در فیلم "بیم و امید" تقلید می کند.

مرتضی احمدی نیز در کتاب خاطرات خود به نام من و زندگی (ص ۸۱ تا ص ۸۵) بخشی خواندنی و قابل مراجعه به بیات تهران اختصاص داده و برخی از پیشگامان این سبک را معرفی نموده است.

